

سایت اینترنتی «آفتاب یزد»

با دکتر «پرویز ورجاوند» مصاحبه ای انجام داد
که بخشی از آن را در ذیل می آوریم:

پرسش: تحلیل شما نسبت به سخنان رئیس جمهور درباره محو اسرائیل از صفحه روزگار در شرایط کنونی کشور چیست؟

پاسخ: ابتدا باید به شما بگویم، وقتی سخنان ایشان را شنیدم در ذهنم این مسئله مطرح شد که آیا ایشان می دانند در چه جایگاهی قرار گرفته اند؟ شاید در تاریخ کمتر موردی را بتوان یافت که یک رئیس دولت در بدترین شرایطی که کشورش درگیر بحرانی کلان است و جهان رو در روی آن ایستاده به خود اجازه بدهد چنین سخنانی را بر زبان بیاورد. اظهاراتی که واکنش تند همه کشورهای جهان حتی کشورهای درجه دو و سه را نیز برانگیخته است. این اظهارات در جهت منافع کسانی بود که هدفشان ضربه زدن به ایران است.

پرسش: به طور مشخص همزمانی اظهاراتی از این قبیل را با اوجگیری بحران هسته ای جمهوری اسلامی چگونه می توان معنا کرد؟

پاسخ: در حالی که پرونده هسته ای ایران در جهان مطرح است، اظهارات اخیر رئیس جمهور به منزله تأیید تفاسیر و اتهاماتی است که غرب در مورد پرونده هسته ای به ما نسبت می دهد و ادعاهای غرب در قبال به کارگیری سلاح کشتار جمعی توسط ایران را تقویت می کند.

پرسش: عواقب این اظهارات در کوتاه مدت برای منافع ملی ما چه می تواند باشد؟

پاسخ: اگر احمدی نژاد به خود نیاید و بسرعت درباره سخنان خود توضیح روشنی ارائه ندهد، هزینه آنرا ملت ایران پس خواهد داد.

پرسش: یعنی حتی گزینه حمله نظامی به برخی از مناطق استراتژیک کشور هم می تواند بطور جدی مطرح باشد؟

پاسخ: شما به بینید اسرائیلی ها چه بهره برداری از این سخنان کرده اند. هم اکنون زمینه ها برای هرگونه فضا سازی و حتی اقدام تند اسرائیل میبها شده است. *

چه کسی نمی خواهد، من و تو ما بشویم؟
بقیه از ص ۱
مهم ترین شعارهای قابل قبول مردم ایران بوجود آید.
یعنی

آزادی ایران و استقرار دموکراسی

در این شعار، برکناری حکومت استبداد مذهبی و طرد هر نوع نظام خودکامه زیر هر نام و شکل، رعایت مفاد منشور حقوق بشر و برابری حقوق زنان و مردان مستتر است. گزینش نوع حکومت آینده کشور توسط مردم و حضور آنان در صحنه سیاسی کشور و دخالتشان در اداره امور مملکت و منطقه خود امری مسلم است.

ما ایرانیان با هر نوع تضاد عقیدتی سیاسی و اعتقاد مذهبی و نیز وابستگی سازمانی، در ایرانی بودن و ایران دوستی، با یکدیگر وجه مشترک داریم. ایران آینده متعلق به همه ایرانیان با هر نوع عقیده سیاسی و عقیدتی است. بنابراین، وظیفه رهایی آن از چنگال عوامل نظام خودکامه بر عهده همه ایرانیان است و نه یک فرد یا گروه.

باز می گردیم به این پرسش که چرا نیروی جانشین جمهوری اسلامی تاکنون شکل نگرفته است؟

می دانیم برکناری یا سرنگونی جمهوری اسلامی کار آسانی نیست. ساده پنداری و خودفریبی است، اگر تصور کنیم به آسانی می شود آنرا تغییر داد.

جمهوری اسلامی از درآمد هنگفت نفت و گاز برخوردار است و با هزینه کردن حتی بخش ناچیزی از آن می تواند درصدی هر چند هم کم از جمعیت نیازمند کشور را به خود وابسته گرداند تا در صورت لزوم در رکاب آخوندها شمشیر بزند. ولی همانگونه که گفته اند «مشکلی نیست که آسان نشود» و هر شکلی راهکاری دارد که باید آنرا یافت و به کار بست.

اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران از تسلط آخوندها بر ارکان مملکت و حضور دین در حکومت ناراضی اند و از شرایط دردناک و ناگوار موجود رنج می برند. آنها بارها مخالفت خود را با نظام مذهبی، چه در بیان و چه در عمل نشان داده اند. تاریخ بیست و هفت ساله گذشته ایران، سرشار از پامردی ها، فداکاری ها و از جان گذشتگی های آزادیخواهان ایرانی در درون و بیرون کشور، در رویارویی با عوامل ضد ایرانی نظام خودکامه اسلامی است.

این نیروی مردمی، بی شک تنها نیرویی است که در مراحل اولیه پیکار آزادیخواهانه باید روی آن حساب کرد. شرایط جهانی و منطقه ای بدلیل رویدادهای سالهای اخیر نیز بسود یک حرکت آزادیخواهانه ملی است. موضع گیری های غیرمسئولانه سردمداران نظام

بقیه در ص ۷